جوان

روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران
دوشنبه ۲۵ آبان ۱۴۰۵ - ۶ جمادی‌الثانی ۱۴۴۸
سال بیست‌وهشتم - شماره ۷۷۴۸ - ۱۲ صفحه
قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

یمن به‌سوی عدن

نیروهای یمنی پس از «فتح‌باب» در ماه‌های اخیر
اکنون محاصره نیروهای مزدور سعودی را کامل می‌کنند و با تسلط بیشتر بر باب‌المندب به سوی فتح «عدن» می‌روند

| صفحه ۱۱ |

«برخاستن از فقر» و گنج‌های ایرانی

تحلیلی بر سخنان رئیس‌جمهور در توصیه به مدیران دولتی برای خواندن کتاب رئیس‌جمهور چین

غلامرضا صادقیان | سردبیر



رئیس‌جمهور دکتر مسعود پزشکیان به استانداران و مدیران توصیه کرد کتاب «برخاستن از فقر» را [از شی جین پینگ رئیس‌جمهور چین] مطالعه کنند تا «از تجربه چین در عبور از فقر و تبدیل‌شدن به قدرتی بزرگ درس بگیرند»، زیرا «مردم چین روزگاری با فقر و گرسنگی دست‌وپنجه نرم می‌کردند، اما امروز شرایط کاملاً متفاوتی دارند. این تجربه به ما نشان می‌دهد که ما نیز می‌توانیم از وضعیت دشوار کنونی عبور کنیم».

معمولاً این‌گونه سخنان را مدیران دولتی خیلی جدی نمی‌گیرند، زیرا بسا کسان از این مدیران نیامده‌اند که سختی مطالعه و پژوهش و کار جدی مدیریتی را تجربه کنند. فلذا در این نوشته می‌خواهم چند مسئله را روشن کنم: اول، اینکه محتوای کتاب صرف‌نظر از تفاوت‌های دوکشور در ایدئولوژی و اقتصاد سیاسی و تفاوت‌های فراوان دیگر، اتفاقاً برای مدیران ایرانی به کار می‌آید. بلافاصله به این مسئله می‌پردازم که ایران فعلی، چین چهار دهه قبل نیست، نه از منظر فقر و نه وضعیت توسعه، و تفاوت‌ها مهم است. سپس این مسئله که به‌رغم این تفاوت‌ها اگر قرار است از تجربه چین چیزی فراتر از تأملات مدیریتی، اقتصادی و اداری درباره توسعه یک منطقه محروم (محتوای کتاب) بیاموزیم، آن چیز چیست؟ و چرا تجربه چین الگویی برای تقلید ما نیست، فرصتی برای دیدن تناقض میان ظرفیت‌های ایران و نتایج اقتصادی آن است. و آنگاه چرا وقتی روابط ایران با چین در همین دولت مخالفان و سنگ‌اندازانی دارد، رئیس‌جمهور خود چنین می‌گوید؟! و یک نکته‌سنجی: وقتی بدانید این کتاب چیست و آن را رئیس‌جمهور فعلی چین در دوران جوانی نوشته است و تجربه‌ای گران‌بها در سطوح محلی و مواجهه مستقیم با مسائل توسعه‌ای یک منطقه محروم داشته است، می‌فهمید که اتفاقاً مدیران دولتی باید چنین مسیری را تا بالاترین مقام‌های اجرایی در وزارتخانه‌ها طی کنند، نه آن مسیری که فعلاً در ایران جاری و ساری است!

«برخاستن از فقر» مطابق برخی منابع انگلیسی مجموعه‌ای از ۲۹ سخنرانی و مقاله شی جین پینگ در سال‌های ۱۹۸۸ تا ۱۹۹۰ است که او دبیری کمیته حزبی نینگ‌ده در استان فوجیان را بر عهده داشت. نسخه چینی کتاب نخستین بار در ژوئیه ۱۹۹۲ منتشر شد. بنابراین، با متنی روبه‌رو هستیم که بیش از آنکه شرح یک الگوی ملی توسعه باشد، بازتاب تجربه و تأملات مدیریتی یک مقام محلی در مواجهه با فقر و عقب‌ماندگی منطقه‌ای است. یعنی این کتاب، رساله‌ای نظری در اقتصاد توسعه یا گزارشی جامع از چگونگی تبدیل چین به دومین اقتصاد بزرگ جهان نیست. ولی همین ویژگی، اتفاقاً یکی از دلایل اهمیت کتاب برای مدیران ایرانی است. موضوع کتاب نسبت میان مدیریت، شناخت واقعیت‌های محلی و توانایی تبدیل امکانات بالقوه به بهبود زندگی مردم است، یعنی دقیقاً مشکلی که در ایران چشم‌نواز است!

شی در نوشته‌های آن دوره بر ضرورت شناخت دقیق منطقه، حضور مدیران در میان مردم، نگریستن به تفاوت‌های جغرافیایی و اقتصادی نواحی، استفاده از ظرفیت‌های بومی و پرهیز از نسخه‌های یکسان برای مناطق متفاوت تأکید می‌کند. در کنار این‌ها، موضوعاتی چون سلامت اداری، مسئولیت‌پذیری مقام عمومی، اهمیت آموزش و فرهنگ، و ضرورت استمرار در پیگیری برنامه‌ها نیز در کتاب دیده می‌شود.

این‌ها توصیه‌هایی نیست که به یک نظام سیاسی خاص تعلق داشته باشد. مدیری که نمی‌داند در منطقه‌اش چه می‌گذرد و مسائل مردم را از پشت میز و گزارش‌های اداری می‌شناسد و ظرفیت‌های محلی را نمی‌بیند و یک نسخه واحد در سر دارد، در هر نظام سیاسی و اقتصادی با مشکل روبه‌رو خواهد شد. توسعه محلی پیش از آنکه به بودجه و اعتبار وابسته باشد، به شناخت درست مسئله نیاز دارد. اگر مسئله اشتباه تشخیص داده شود، حتی تخصیص منابع فراوان نیز ممکن است به نتیجه مطلوب نرسد. این‌ها موانع بسیار آشنا و از مشکلات ریشه‌دار و تکرارشونده نظام اداری ماست.

از این منظر، شاید مهم‌ترین پیام کتاب برای مدیران ما این باشد که مدیریت توسعه با صدور دستور و برگزاری جلسه و تدوین برنامه‌های کلی به دست نمی‌آید (اگر واقعاً خود دکتر پزشکیان کتاب را خوانده باشد، احتمالاً از همین بخش بیشتر لذت برده است، زیرا ایشان در هر سخنرانی خود چنین دغدغه‌هایی را ابراز می‌کند). مدیر باید بداند چرا یک منطقه فقیر مانده، چه منابعی در اختیار دارد، چه موانعی مانع استفاده از آن منابع شده و چه اقداماتی می‌تواند به افزایش تولید، درآمد و فرصت‌های شغلی بینجامد. کمک به مناطق محروم با تزریق اعتبار یا توزیع منابع ممکن نیست. منطقه باید بتواند به‌تدریج توان تولید ثروت و بهبود پایدار زندگی مردم را در خود ایجاد کند. خوزستان، خراسان شمالی و جنوبی، چابهار، هرمزگان، کهگیلویه و بویراحمد همگی چنین مناطقی در کشور هستند که هر یک با ظرفیت‌هایی زیر سایه ضعف مدیریت، کمبود زیرساخت و فقدان برنامه توسعه متناسب با مزیت‌های محلی بلااستفاده مانده‌اند؛ گنج‌های رهاشده در نامدیریتی.

تأکید بر شناخت میدانی و مسئولیت‌پذیری، برای نظام اداری ایران اهمیت دارد. بسیاری از برنامه‌های توسعه‌ای ما در سطح ملی یا استانی تدوین می‌شود، اما در مرحله اجرا به دیوار سخت واقعیت‌های متفاوت شهرستان‌ها و مناطق محلی می‌خورد. گاه طرحی در مرکز مفید به نظر می‌رسد، ولی در محل اجرا موانعی دارد که از ابتدا امکان شناسایی داشت. گاه ظرفیت‌هایی در یک منطقه وجود دارد که در برنامه‌ریزی رسمی به چشم نمی‌آید. و گاهی دقیقاً برعکس؛ نماینده‌ای برای رأی‌آوری وزیری را وادار به کلنگ‌زنی می‌کند و بعد هر دو از قدرت خارج می‌شوند و ده‌ها هزار طرح نیمه‌کاره در کشور رها می‌شود، چنان‌که شده است! حضور مدیر در میدان، شنیدن صدای مردم و شناخت دقیق امکانات و محدودیت‌ها، راهی برای کاهش فاصله میان برنامه و واقعیت است.

مسئله دوم، آیا ایران امروز را می‌توان با چین چهار دهه پیش مقایسه کرد؟ نه، دست‌کم نه به‌صورت مستقیم و نه از تمامی جهات. چین در اواخر دهه ۱۹۸۰ هنوز با فقر گسترده روستایی و شکاف‌های منطقه‌ای جدی روبه‌رو بود، هرچند کتاب شی مشخصاً به تجربه او در منطقه‌ای از محروم‌ترین نواحی چین بود.

ایران امروز، با تمامی مشکلات، در چنین نقطه‌ای قرار ندارد. ایران، منابع طبیعی گسترده، ذخایر عظیم نفت و گاز، موقعیت جغرافیایی مهم، زیرساخت‌های شهری و صنعتی، دانشگاه‌ها و نیروی انسانی آموزش‌دیده دارد. سطح شهرنشینی، ساختار اقتصادی و ظرفیت‌های انسانی کشور با وضعیت چین و به‌ویژه مناطق محروم آن در چهار دهه قبل متفاوت است. خود دکتر پزشکیان اخیراً گفت که «جغرافیای ما گنج است، زیر پای ما گنج است، خاک ما گنج است و انسان‌های ما گنج‌اند». بااین‌حال، مسئله توسعه در دوکشور بی‌ارتباط نیست. ما روی گنج خوابیده‌ایم ولی در اثر تورم مزمن، کاهش قدرت خرید، نااطمینانی اقتصادی، بیکاری یا ضعف فرصت‌های مولد، بخش بزرگی از مردم با دشواری معیشت می‌کنند. فرسایش رفاه، کاهش بهره‌وری، ناتوانی در تبدیل منابع به ثروت عمومی و فاصله میان ظرفیت‌های کشور و دستاوردهای اقتصادی آن، چیزهایی است که مدیر دولتی باید بیاموزد چگونه با آن‌ها مقابله کند، چه از کتاب شی، و چه با فهمی عالی‌تر.

ایران باید از تجربه توسعه چین چه بیاموزد؟ پاسخ در این کتاب یا در یک کتاب جمع نشده است. چین در چهار دهه گذشته صرفاً با مدیریت بهتر مناطق فقیر به قدرت اقتصادی بزرگی تبدیل نشد. آنچه رخ داد، تحولی ساختاری و تدریجی در اقتصاد این کشور بود. خود چینی‌ها فهرستی از این تغییرات دارند: اصلاحات کشاورزی، تغییر نظام انگیزه‌های تولید، واگذاری اختیار بیشتر به خانوارهای روستایی در بهره‌برداری از زمین، گسترش بنگاه‌های کوچک و متوسط، ایجاد مناطق ویژه اقتصادی، جذب سرمایه خارجی، توسعه صادرات، انتقال فناوری و سرمایه‌گذاری گسترده در زیرساخت‌ها.

چین به‌تدریج از اقتصاد متمرکز و برنامه‌ریزی‌شده فاصله گرفت و سازوکارهای بازار را در بخش‌های وسیعی از اقتصاد وارد کرد، یعنی نام کمونیستی را حفظ کرد ولی اقتصاد تاحدودی شبه‌لیبرالیستی را سرلوحه ساخت! هرچند خود چین این الگو را «اقتصاد بازار سوسیالیستی» می‌نامد. البته چین با کنار گذاشتن یکباره دولت و سپردن همه امور به بازار توسعه نیافت. دولت چین همچنان در بخش‌های راهبردی اقتصاد، نظام مالی، زیرساخت‌ها و جهت‌گیری‌های کلان توسعه نقش تعیین‌کننده‌ای داشت ولی در عین‌حال، فضای فعالیت اقتصادی را برای بخش خصوصی و سرمایه‌گذاری خارجی گسترش داد و درهای اقتصاد خود را به روی تجارت جهانی و زنجیره‌های تولید بین‌المللی باز کرد. تجربه چین نه تجربه اقتصاد کاملاً دولتی بود و نه الگوی اقتصاد آزاد به معنای کلاسیک آن. ترکیبی از هدایت دولتی، سازوکارهای بازار، آزمایش‌های محلی و اصلاحات تدریجی بود. در این‌باره دست‌کم می‌دانیم که در ایران، سیاست اقتصادی و اقتصاد سیاسی هنوز تعیین تکلیف نشده است!

پس اگر بخواهیم از چین چیزی بیش از توصیه به تلاش، حضور در میان مردم و مبارزه با فساد بیاموزیم، باید به این پرسش برسیم که چه شرایطی امکان توسعه را فراهم می‌کند؟ کیفیت نهادها، ثبات و پیش‌بینی‌پذیری قواعد اقتصادی، امنیت سرمایه‌گذاری، رقابت‌پذیری، پیوند با اقتصاد جهانی، امکان فعالیت بنگاه‌های خصوصی و توانایی نظام تصمیم‌گیری برای اصلاح سیاست‌های ناموفق، چیزهایی است که در ایران «گنج» شده است، از بس که در مدیریت اقتصادی ما نایاب است، این گنج کجا و آن گنج کجا!

ایران در این زمینه با موانعی روبه‌روست که با تغییر مدیران یا توصیه به مطالعه کتاب برطرف نمی‌شوند. اقتصاد کشور با تعدد مراکز تصمیم‌گیری، مقررات متغیر، نااطمینانی، محدودیت رقابت، حضور گسترده نهادهای دولتی و شبه‌دولتی، دشواری‌های سرمایه‌گذاری و پیامدهای تحریم مواجه است.

اما چرا رئیس‌جمهور در شرایطی که روابط ایران و چین همچنان با منتقدان و مخالفانی در فضای سیاسی و حتی در بخش‌هایی از ساختار تصمیم‌گیری دولتی مواجه است، چنین توصیه‌ای می‌کند؟ هر تبیینی که باشد، نمی‌توان از کنار تناقضی که در سیاستگذاری ایران وجود دارد به‌آسانی گذشت. اخیراً در دیدار با یک مقام تصمیم‌گیر در کشور از او تأسف در ضعف‌های تصمیم‌گیری، به ویژه در ارتباط با چین، را شنیدم. مسئولان کشور بارها بر ضرورت گسترش روابط با چین تأکید کرده‌اند و رئیس‌جمهور نیز در سفر به پکن و دیدارهای رسمی بر اجرای توافقات و توسعه همکاری‌ها تأکید داشته است. او در شهریور ۱۴۰۴ نیز گفته بود که رهبری بر توسعه روابط با چین تأکید کرده و دولت مأمور پیگیری این موضوع است. رئیس مجلس دکتر قالیباف نیز اخیراً گفت که رهبری در دیدارشان دستور داده‌اند که روابط با چین در اولویت باشد. پس کتاب بزرگ‌تر «روابط با چین» در کنار خاطرات رئیس‌جمهور چین شاید امکان عملگراتری پیش روی ما قرار دهد!

بخشی از نقدها به تجربه عملی همکاری‌های اقتصادی دو کشور ایران و چین را هم باید شفاف برای مردم بازگو کرد. چرا برخی وعده‌های سرمایه‌گذاری به نتیجه نرسیده‌اند؟ چرا حجم همکاری‌ها با ظرفیت اعلام‌شده فاصله دارد و چرا رابطه‌ای که گاه در ادبیات رسمی «راهبردی» خوانده می‌شود، در عمل با محدودیت‌های فراوان روبه‌روست؟ پژوهش‌های منتشرشده درباره توافق همکاری ۲۵ ساله ایران و چین نیز به همین فاصله میان انتظارات و واقعیت اشاره کرده‌اند و تحریم‌های امریکا، ریسک سرمایه‌گذاری و جذابیت بیشتر بازار کشورهای دیگر منطقه برای شرکت‌های چینی را از عوامل محدودکننده دانسته‌اند.

رابطه با چین نباید یک شعار سیاسی شود و نباید موضوعی تابو، که نقد آن به معنای مخالفت با منافع ملی است، تلقی شود. چین نیز مانند هر قدرت دیگری بر اساس منافع خود عمل می‌کند. این کشور در مناسبات اقتصادی و سیاسی‌اش با ایران، منافع گسترده‌تری در منطقه دارد و روابط خود با شیوخ، اروپا و امریکا را نیز در محاسباتش در نظر می‌گیرد. پس انتظار اینکه چین صرفاً بر اساس ملاحظات سیاسی ایران عمل کند، واقع‌بینانه نیست. رابطه‌ای پایدار و سودمند زمانی شکل می‌گیرد که ایران نیز بتواند منافعی معین برای طرف مقابل تعریف کند و با قدرت چانه‌زنی اقتصادی وارد همکاری شود.

کتاب‌خواندن مدیران، اگر به فهم عمیق‌تر مسائل و تغییر در شیوه تصمیم‌گیری منجر شود، می‌تواند نقطه شروع خوبی باشد. اما توسعه با خواندن یک کتاب یا حتی با حضور مدیران پرتلاش در میدان محقق نمی‌شود. به اصلاح قواعد، نهادهای کارآمد، سیاست‌های باثبات، و اقتصاد رقابتی و مقاومتی نیاز دارد. هیچ کشوری با تکیه بر داشته‌های طبیعی و شعارهای توسعه‌خواهانه به قدرت اقتصادی تبدیل نمی‌شود. آنچه سرنوشت کشورها را تغییر می‌دهد، توانایی تبدیل ظرفیت به فرصت، فرصت به تولید و تولید به رفاه عمومی است.

از حاشیه تا متن | ستون دوشنبه‌ها

تقی دژاکام

آقای رئیس‌جمهور کجاست؟

در این یکی دو ماه اخیر به طور معناداری مردم دوباره به سراغ پرسیدن مزار رئیس‌جمهور شهید و رفتن و بر روح بلند آن مرد فاتحه خواندن و برای او دعا کردن روی آورده‌اند. در این مدت چه اتفاقی و درست‌تر بگویم چه اتفاق جدیدی افتاده است که مردم دوباره سراغ رئیسی را می‌گیرند؟ | صفحه ۲

یادداشت سیاسی

سیدعبدالله متولیان

نقطه هدف جهاد ابتدایی در دکترین دفاعی جدید ایران

تا پیش از این پیام بازدارندگی ایران را می‌شد در عبارت «دوران بزن درو تمام شد، یکی بزنی، ده تا می‌خوری» خلاصه کرد. اما فرامین اخیر بر آمادگی هوشمند، پاسخ فوری و مؤثر، نداشتن محدودیت جغرافیایی در پاسخ، تقویت توان اطلاعاتی و دفاعی و به‌روزرسانی بانک اهداف تأکید دارند | صفحه ۲

قانون هوای پاک ۱۲ درصدی!

مهسا گربندی | خبرنگار گروه اجتماعی

با شروع فصل سرما، دوباره همان سناریوی تکراری مقابل شهروندان قرار گرفته‌است؛ اینکه هوا آلوده می‌شود، محدودیت تردد به اجرا درمی‌آید، و در نهایت همه چشم‌انتظار باد و باران می‌مانند. نزدیک به یک دهه از تصویب قانون هوای پاک می‌گذرد، اما گزارش دیوان محاسبات نشان می‌دهد فقط ۱۲ درصد احکام آن به‌طور کامل اجرا شده ظاهراً قانون برای نفس کشیدن مردم نوشته شده، اما گویا دستگاه‌ها هنوز در مرحله نفس‌گیری برای اجرایش هستند! | صفحه ۳

محسن بهاری کارگردان فیلم سینمایی «قمارباز» در گفت‌وگو با «جوان»:

در «قمارباز» همه‌چیز بازی هوش است نه تصادف

صفحه ۱۲



هوش مصنوعی حل‌المسائل دانش‌آموزان شده است!

حسن فرامرزی

بررسی مواجهه دانش‌آموزان با هوش مصنوعی در گفت‌وگوی «جوان» با دکتر مطهره قمری پژوهشگر آموزشی | صفحه ۶

